

ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)

برزین ضرغامی* - استادیار جغرافیای سیاسی، جهاد دانشگاهی
سید محمد جواد شوشتری - استادیار جغرافیای سیاسی، جهاد دانشگاهی
سلمان انصاری‌زاده - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۱۰ تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، نظام ژئوپلیتیکی خاورمیانه را برهم زد. با فروپاشی این سیستم، تحلیلگران علوم اجتماعی و ژئوپلیتیک به تحلیل چرایی وقوع این رخداد و پیش‌بینی سیستم‌های جایگزین پرداختند. تشکیل یک حکومت شیعی در منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه، سبب همگرایی شیعیان این منطقه و در پی آن، افزایش وزن ژئوپلیتیکی آنها شد؛ به طوری که تحلیلگرانی چون فولر و توال، مفهوم ژئوپلیتیک شیعه را برای بیان اهمیت و نقش شیعیان مورد استفاده قرار دادند و این مفهوم وارد ترمینولوژی جغرافیای سیاسی شد. تحولات بعدی خاورمیانه، همچون حمله آمریکا به عراق، فروپاشی حزب بعث و قدرت‌یابی شیعیان در عراق، سبب نگرانی سران کشورهای عربی از برهم خوردن سیستم نظم سنتی و موضع‌گیری در مقابل نظم جدید شد. ملک عبدالله، پادشاه اردن، ضمن انتقاد از افزایش قدرت شیعیان، اصطلاح هلال شیعی را مورد استفاده قرار داد و به دنبال او سران کشورهای مصر و عربستان سعودی نیز، ترس و نگرانی خود را با حمایت از مفهوم هلال شیعی بیان کردند. با اینکه تا کنون مقاله‌ها و سخنرانی‌های زیادی در مورد ژئوپلیتیک شیعه و هلال شیعه مطرح شده، اما به طور واضح و روشن به مفهوم‌سازی اهداف، اصول و رویکردهای این دو واژه پرداخته نشده است. از این رو پژوهش پیش رو، ضمن تحلیل چرایی طرح این مفاهیم، در پی پاسخ به این پرسش است که چه تفاوت‌هایی در مبانی، اهداف و رویکردهای دو مفهوم ژئوپلیتیک شیعه و هلال شیعه وجود دارد؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد ژئوپلیتیک شیعه، امری واقعی است که در بستر جغرافیایی خاورمیانه قرار دارد و پس از سقوط صدام و روی کار آمدن شیعیان در عراق، مفهوم آن پررنگ‌تر شده است، اما در مقابل، طرح مفهوم هلال شیعی یک موضوع غیر واقعی، ایدئولوژیک و برساخته ذهن کشورهای غرب و حاکمان سنی‌مذهب منطقه است که همواره تلاش می‌کنند با نفوذ بر افکار مردم و ژئوپلیتیک عمومی، ابتدا حکومت‌های خود را مشروع جلوه‌داده و مردم سنی‌مذهب کشورهای خود را از خطر شیعه‌ترسانند و در مرحله بعد، نفوذ و حضور خود (آمریکا و متحدانش) را در منطقه موجه جلوه دهند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، خاورمیانه، ژئوپلیتیک شیعه، هلال شیعی.

مقدمه

آرنولد توین بی، تاریخ‌نگار معروف انگلیسی، در کتاب *تمدن در بوته آزمایش*، در بررسی تمدن‌ها جمله بسیار زیبایی را نگاشت: پان‌اسلامیزم خوابیده است، اما اگر مستضعفان جهان بر ضد سلطه غرب شورش کنند و تحت یک رهبری قرار گیرند، این خفته بیدار خواهد شد و بانگ این شورش ممکن است در برانگیختن روح نظامی اسلام مؤثر افتد و اسلام بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود، قیام کند (شیرودی، ۱۳۸۸: ۷۸). پیش‌بینی توین بی در سال ۱۹۷۹ با انقلاب اسلامی ایران محقق شد؛ چراکه با پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی جان تازه‌ای یافته و بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه، وارد مرحله جدیدی شد. در واقع پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های سیاسی در خاورمیانه دست به فعالیت‌های گسترده‌ای علیه دولت‌های خود، به‌منظور تشکیل یک حکومت مردمی همچون حکومت ایران، زدند. اولین واکنش این دولت‌ها، نسبت‌دادن این تحرکات به ایران بود (اسپوزیتو و پیسکاتوری، ۱۳۸۲: ۳۳۲). دیدگاه مبتنی بر وابستگی شیعیان کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر کشورها به ایران، موجب توجیه اعمال محدودیت علیه جمعیت‌های شیعه کشورهای عربی بود. حاکمان این کشورها به دلیل ترس از قدرت‌یافتن شیعیان، نه تنها بر هویت سنی کشورشان تأکید می‌کردند، بلکه خشونت را برای به انزوا کشیدن شیعیان کشورشان به کار می‌بردند. بیشتر از همه، صدام حسین از کشتار، قتل، دستگیری و شکنجه شیعیان استفاده می‌کرد (نصر، ۲۰۰۴: ۱۱).

اقدام نظامی آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ و فروپاشی حکومت صدام که در راستای سیاست اعلام مبارزه با تروریسم و جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای انجام گرفت، نقطه عطف دیگری از حضور شیعیان در صحنه سیاسی خاورمیانه بود. ورود شیعیان عراق به فضای سیاسی خاورمیانه، الگوی تازه‌ای در کنار الگوی شیعی ایران از لحاظ سیاسی پدید آورده است. قدرت‌گیری شیعیان در عراق و جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و اسرائیل که باعث تبدیل حزب‌الله به یک بازیگر مهم و تأثیرگذار منطقه‌ای شد، به سهم خود به قوت‌گرفتن نقش و نفوذ ایران در تحولات منطقه خاورمیانه کمک کرد. این وقایع باعث شد برخی مقامات کشورهای منطقه نسبت به افزایش اقتدار شیعیان، به‌ویژه ایران، اظهار نگرانی کنند و برای بیان نگرانی خود، از اصطلاح هلال شیعی استفاده کردند. آنها معتقدند اقدامات منطقه‌ای آمریکا، ناخواسته منجر به قدرت‌گیری ایران شده است و ادعا می‌کنند، ایران نیز از این فرصت تاریخی نهایت بهره را برده است و با حمایت بی‌دریغ خود از گروه‌ها و احزاب شیعی عراق، لبنان و سایر کشورهای خاورمیانه، در نظر دارد با ایجاد بلوکی شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی و نیز، منافع منطقه‌ای ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به کار گیرد. اما با در نظر گرفتن موانع و نیز تهدیدهای مختلف، ایجاد و پیگیری طرح هلال شیعی ادعا شده از سوی برخی عناصر منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، در پشت طرح تهدید هلال شیعی، اهداف و سیاست‌های دیگر نهفته است. بر این اساس نگارندگان این مقاله تلاش می‌کنند تفاوت اهداف، رویکردها و مبانی دو مفهوم هلال شیعی و ژئوپلیتیک شیعه را مورد تحلیل قرار دهند.

مبانی نظری

در نظریه‌های کلاسیک ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک‌دانان تأکید بسیاری بر فاصله، فضا و مرزها داشتند؛ یعنی ارزش‌هایی در پدیده تکنولوژی نظامی آن دوره اهمیت داشتند، ولی در سده حاضر، دیگر قدرت نظامی، شاخص قدرت رهبری برای کشورها در صحنه بین‌المللی نیست (صحفی، ۱۳۸۰: ۴۶). در حال حاضر، توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپلیتیک، حیطة‌های دیگری از هم‌نشینی جغرافیایی را مطرح کرده است که از آن به ژئوکالچر تعبیر می‌شود و منظور از آن، فرایند پیچیده‌ای از تعاملات قدرت، فرهنگ و محیط جغرافیایی است که طی آن، فرهنگ‌ها همچون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی، همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش و جابه‌جایی در جریان زمین و در بستر محیط جغرافیایی کره زمین‌اند (حیدری، ۱۳۸۴: ۱۰۴). بر این اساس می‌توان ساختار نظام ژئوکالچر جهانی را آمیخته‌ای از حالت‌های سه‌گانه تقابل، رقابت و همکاری دانست که در هر بخشی از جهان، به‌گونه‌ای متفاوت ظهور می‌یابند. با این تفاوت که به‌تدریج شیوه‌های تقابل و برخورد فرهنگ‌ها، جای خود را به شیوه‌های تکامل‌یافته‌تری چون شیوه‌های رقابتی و همکاری می‌بخشد (رامشت و تقدیسی، ۱۳۷۷: ۵۲). هانتینگتون در نظریه برخورد تمدن‌ها، به‌طور مستقیم فرهنگ را وارد عرصه سیاست می‌کند و پارادایم غالب روابط بین‌الملل را پس از جنگ سرد، ارائه می‌دهد. به عقیده او منبع اصلی درگیری‌های بین‌المللی جهان آینده، منشأ فرهنگی دارد (اتواتایل، ۱۳۸۰: ۳۶۱). تا پیش از انقلاب اسلامی، دین اسلام تنها یک دین بدون کارکردهای سیاسی محسوب می‌شد، اما انقلاب ایران جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را آشکار کرد و تفکر شیعی با انسجام ساختاری در ایران نشان داد که توانایی به‌ظهور رساندن یکی از بزرگترین انقلاب‌های تاریخ را دارد. این توانایی باعث شد که بسیاری از نهضت‌های رهایی‌بخش و جنبش‌ها توجه خود را به ایران و اسلام معطوف کنند. به این ترتیب نقش حساس اسلام در صحنه سیاست بین‌المللی، باعث شد که ژئوپلیتیک کشورهایی که تمام یا اکثریت جمعیت آنها مسلمان بودند، در نگرشی مجدد ارزیابی شود. این امر در جایی اهمیت خاص می‌یافت که پیوستگی جغرافیایی و جایگاه خاص و ویژه این حیطة از جهان، به‌لحاظ دسترسی به عظیم‌ترین منابع نفتی خودنمایی می‌کرد و پدیده‌ای به نام جهان اسلام را مطرح می‌ساخت (فولر و رند رحیم، ۱۳۷۸). در این چهارچوب، موقعیت حساس ژئوپلیتیک جهان اسلام و جمعیت بیش از یک میلیارد و ششصد نفری مسلمانان در جهان، صاحب‌نظران و سیاستمداران غرب را وادار کرده تا در حوزه ژئوپلیتیک و از دید ژئوکالچر، به اسلام و به‌ویژه عنصر تشیع، بپردازند.

از دیدگاه جغرافیای سیاسی، پیدایش نهضت‌های اسلامی، به‌منزله یکی از عوامل متغیر ژئوپلیتیک، موجب افزایش حساسیت‌ها در مورد دیگر عوامل ثابت آن شده است. از این دیدگاه با توجه به مرام و ایدئولوژی خاص جنبش‌های اسلامی، دست‌یابی آنها به منابع نفتی، قدرت سیاسی مناطق حساس و ترانزیت جغرافیایی، اهمیت ژئوپلیتیک آنها را چند برابر می‌کند (پاشاپور، ۱۳۸۲: ۲۲۶ و فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

براساس موارد بیان شده، سؤال و فرضیه پژوهش به شرح زیر مطرح شده است:

سؤال پژوهش: چه تفاوت‌هایی در مبانی، اهداف و رویکردهای دو مفهوم ژئوپلیتیک شیعه و هلال شیعه وجود دارد؟
فرضیه پژوهش: به نظر می‌رسد، مفهوم ژئوپلیتیک شیعه یک واقعیت جغرافیایی است، اما در مقابل مفهوم هلال

شیعه یک پروژه هدایت شده است که از یک سو، برساخته ذهن حاکمان سنی منطقه برای تضمین حکومت خود و از سوی دیگر، ابزاری برای نفوذ و حضور آمریکا و متحدانش در منطقه خاورمیانه است.



شکل ۱. نقشه محدوده مورد مطالعه

روش پژوهش

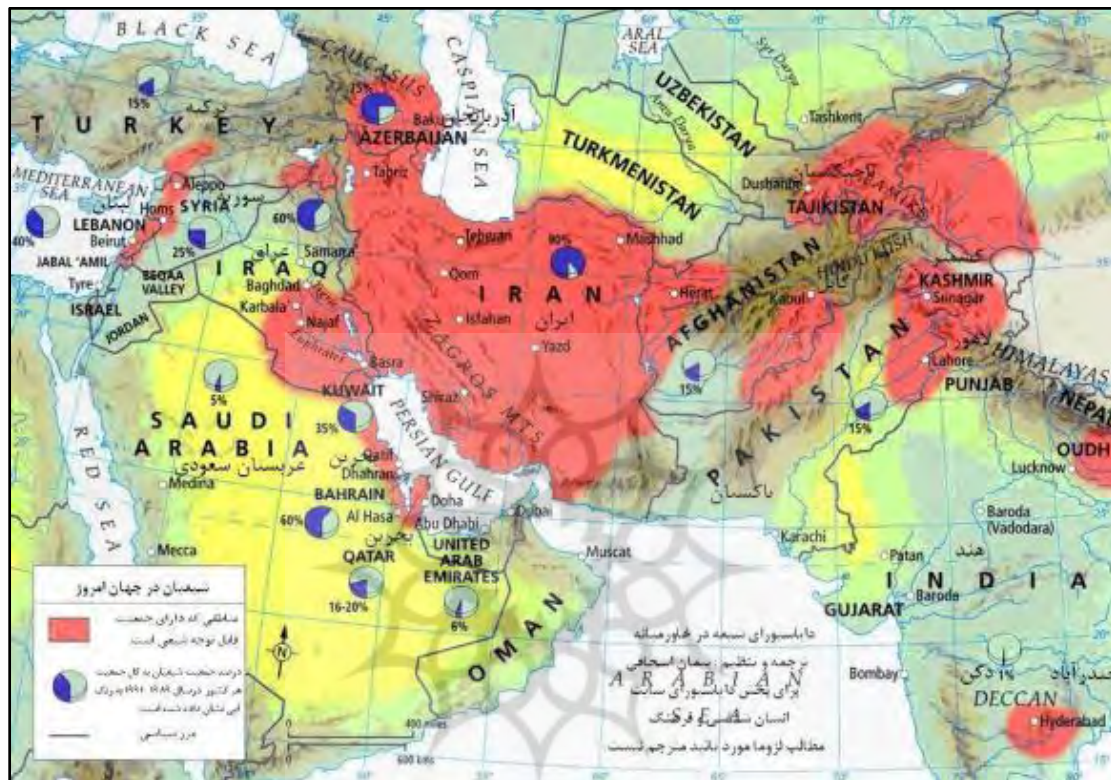
پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و از دید نوع پژوهش، بنیادی به‌شمار می‌رود. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و استفاده از کتاب، مجله‌ها و پایگاه‌های مختلف اینترنتی است.

بحث و یافته‌ها

جغرافیای سیاسی شیعیان در خاورمیانه

شیعیان یکی از پراکنده‌ترین مذاهب حال حاضر جهان هستند. پراکندگی شیعیان هم از نظر تاریخی و هم از نظر دلالت‌های فرهنگی و سیاسی آنها، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (فرنسوا، ۱۳۸۲: ۱۴). در حال حاضر جمعیت مسلمانان جهان به بیش از یک میلیارد و ششصد میلیون نفر رسیده است و بر اساس آماري که از منابع مختلف گزارش

شده است، شیعیان حداقل حدود ۲۰ درصد این جمعیت؛ یعنی جمعیتی بیش از سیصد و بیست میلیون نفر را تشکیل داده‌اند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰، جمعیت مسلمانان به دو میلیارد و دویست میلیون نفر و جمعیت شیعه، بیش از چهارصد میلیون نفر باشد (محمدپور، ۱۳۸۴: ۲۵۰).



شکل ۲. نقشه پراکندگی جمعیت شیعه در کشورهای منطقه خاورمیانه

منبع: نصر، ۲۰۰۶: ۲۵

براساس آمار سال ۲۰۰۷، مجموع جمعیت کشورهای عربی خاورمیانه عضو اتحادیه عرب ۳۱۴ میلیون نفر است (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۱). مصر با ۸۱ میلیون و جیبوتی با پانصد هزار نفر، به ترتیب پرجمعیت‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین کشورهای عرب هستند (چیو، ۲۰۰۶: ۹۳). برخی بر این باورند، اگر جمعیت مصر را از جهان عرب خارج کنیم، دیگر اکثر سنی در دنیای عرب وجود نخواهد داشت (واکر، ۲۰۰۶: ۱۰۹).

جمعیت بسیار بزرگی از شیعیان در کشور ایران و کشورهای عربی، همانند عراق، عربستان سعودی، یمن، بحرین و لبنان زندگی می‌کنند و برخی از این کشورها اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند. در مورد کشورهای اسلامی غیر ایرانی - غیر عربی هم می‌توان نمونه‌های متعددی را نشان داد که تشیع از سابقه بسیار قدیمی برخوردار است. در شبه قاره هند تشیع از دیرباز حضور داشته است، بنابراین می‌توان گفت که تشیع، گرچه در ایران سابقه حکومتی چندصدساله دارد، ولی تشیع مخصوص ایرانیان نیست و در بیشتر کشورهای اسلامی و در میان بیشتر قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف تشیع ریشه دوانیده است.

جدول ۱. جمعیت کشورهای منطقه و درصد جمعیت شیعیان در خاورمیانه

کشور	جمعیت	جمعیت شیعه	درصد جمعیت شیعه
ایران	۶۹,۵۰۰,۰۰۰	۶۱,۸۵۵,۰۰۰	۸۹
آذربایجان	۸,۴۰۰,۰۰۰	۶,۳۰۰,۰۰۰	۷۵
بحرین	۷۰۰,۰۰۰	۴۹۰,۰۰۰	۷۰
عراق	۲۸,۸۰۰,۰۰۰	۱۸,۷۲۰,۰۰۰	۶۵
لبنان	۳,۸۰۰,۰۰۰	۱,۴۴۴,۰۰۰	۳۸
یمن	۲۰,۷۰۰,۰۰۰	۶,۸۳۱,۰۰۰	۳۳
کویت	۲,۶۰۰,۰۰۰	۶۵۰,۰۰۰	۲۵
پاکستان	۱۶۵,۸۰۳,۵۶۰	۳۳,۱۶۱,۰۰۰	۲۰
افغانستان	۲۹,۹۰۰,۰۰۰	۵,۰۸۳,۰۰۰	۱۷
سوریه	۱۸,۴۰۰,۰۰۰	۲,۵۷۶,۰۰۰	۱۴
ترکیه	۷۲,۹۰۰,۰۰۰	۹,۸۴۱,۵۰۰	۱۳/۵
قطر	۸۰۰,۰۰۰	۹۶,۰۰۰	۱۲
عربستان	۲۴,۶۰۰,۰۰۰	۲,۴۶۰,۰۰۰	۱۰
امارات	۴,۶۰۰,۰۰۰	۴۱۴,۰۰۰	۹
ازبکستان	۲۶,۴۰۰,۰۰۰	۱,۳۹۳,۹۲۰	۵
عمان	۲,۵۰۰,۰۰۰	۱۱۸,۰۰۰	۴/۵
تاجیکستان	۶,۸۰۰,۰۰۰	۳۰۶,۰۰۰	۴/۵
ترکمنستان	۵,۲۰۰,۰۰۰	۱۸۵,۱۲۰	۳/۵
هند	۱,۱۰۳,۰۶۰,۰۰۰	۳۰,۹۰۰,۰۰۰	۳
اردن	۵,۸۰۰,۰۰۰	۱۰۹,۰۴۰	۲
قرقیزستان	۵,۲۰۰,۰۰۰	۱۱۷,۰۰۰	۲
مصر	۷۴,۰۰۰,۰۰۰	۶۹۵,۶۰۰	۱

منبع: احمدی، ۱۳۹۰: ۶۵

بدین ترتیب می‌توان از یک امتداد شیعی سخن به میان آورد که از شبه قاره هند آغاز می‌شود و بخش‌هایی گسترده‌ای از هند و پاکستان را پوشش می‌دهد و سپس بخشی مهمی از افغانستان و حتی آسیای مرکزی را شامل می‌شود و در ادامه، تمام ایران، اکثریت عراق، یمن و برخی کشورهای خلیج فارس، مانند بحرین و منطقه شرق عربستان سعودی را پوشش می‌دهد. در دنباله عراق بخش‌های مهمی از ترکیه را شیعیان امامی، علوی و بکتاشی تشکیل می‌دهند و در لبنان اکثریت با شیعیان امامی و علوی و دروزی است و در سوریه نیز علویان حکومت می‌کنند و جمعیت بزرگی از آنان در ساحل سوریه به شکل تاریخی حضور دارند (مجیدی، ۱۳۹۱: ۴۲-۴۰). اقلیت شیعی دیگری نیز در اردن و فلسطین و اسرائیل هستند که این امتداد شیعی را تکمیل می‌کنند. در بخش‌هایی از آفریقا نیز تشیع سابقه تاریخی دارد و این امر فقط به کشورهای عربی آفریقا محدود نمی‌شود، بلکه در آفریقای غیر عربی هم این مسئله صادق است. برای

مثال، حضور شیعیان اسماعیلی از دیرباز در شرق آفریقا وجود داشته است. بنابراین ما هم‌اکنون از اقیانوس هند تا دریای مدیترانه با یک امتداد شیعی روبه‌رو هستیم که البته به‌صورت امتداد و حضور تاریخی است و تشیع در تمام این نقاط ریشه‌های تاریخی بسیار کهنه‌ای دارد که با قومیت‌ها و ملیت‌های این امتداد جغرافیایی آمیخته‌شده و به یکی از عناصر مهم هویت آنان تبدیل شده است (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۳۵).

ژئوپلیتیک شیعه

ژئوپلیتیک شیعه، به‌مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ یا هارتلند ایران است (تلاشان، ۱۳۸۸: ۱۶). اهمیت ایران تا آنجاست که گراهام فولر، ایران را قبیله عالم می‌نامد (فولر، ۱۳۹۰). مارتین کرامر، محقق اسلام‌ستیز آمریکایی، در کتاب *تشیع، مقاومت و انقلاب*، به‌طور ضمنی در مورد اهمیت عنصر ژئوپلیتیک شیعه می‌نویسد: در دوران معاصر، تشیع برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است (کرامر، ۱۹۳۴: ۳۶). جنبش‌های شیعی امروزه، استراتژی‌های سیاسی فوق‌العاده اصیلی ابداع کرده‌اند که اغلب موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است. این شیوه‌ها در ایران از بزرگترین موفقیت‌ها برخوردار بوده‌اند و الهام‌بخش سایر شیعیان در دنیای عرب و جنوب آسیا نیز شده‌اند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۳). کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را در برمی‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد (مجموعه مقالات، ۱۹۸۴: ۳۶). در واقع موقعیت جغرافیایی استقرار شیعیان یا ژئوپلیتیک شیعه در منطقه خاورمیانه، ناشی از استقرار شیعیان در قلب بزرگترین منطقه نفت‌خیز خاورمیانه است که ۷۵ درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد (بروجردی، ۱۳۹۰: ۱۲).

فرانسوا توال در مطالعات خود در مورد مفهوم ژئوپلیتیک شیعه اظهار می‌کند: درگیری‌های اخیر در دنیا، همانند انقلاب اسلامی در ایران یا رخدادهای لبنان، شیعه‌گری را به‌صورت یک عامل ژئوپلیتیک در خط مقدم صحنه بین‌المللی قرار داده است. وی در تحلیل کانون‌های نهضت شیعی از دو مفهوم استفاده می‌کند:

۱. ژئوپلیتیک داخلی که عبارت است از: گستره و شدت تأثیرگذاری هر جامعه شیعی بر مجموعه تحولات و سیاست‌های داخلی یک کشور؛

۲. ژئوپلیتیک خارجی که عبارت است از: قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

از دیدگاه جغرافیایی جوامع گوناگون، شیعه می‌تواند را به چهار بخش زیر تقسیم‌بندی کرد:

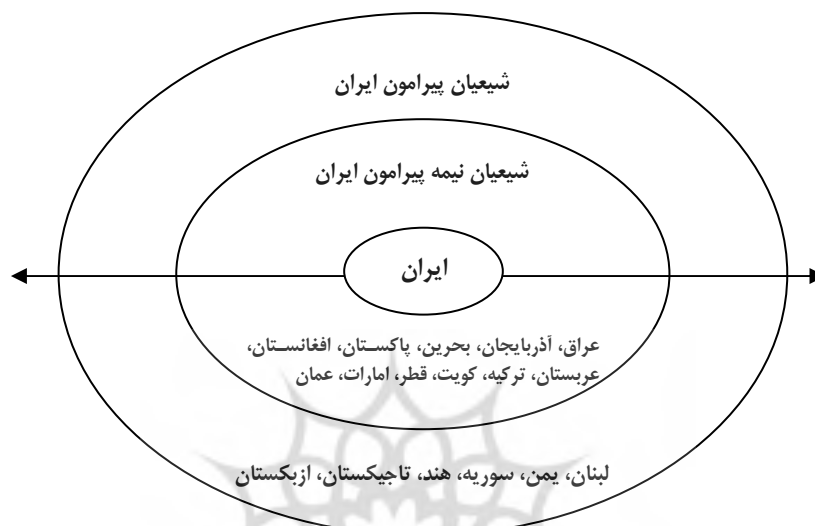
(الف) شیعیان ایران؛

(ب) شیعیان پیرامون ایران؛

(ج) شیعیان سایر کشورهای آسیایی؛

(د) گروه‌های پراکنده شیعه در سایر نقاط جهان.

با توجه به شکل ۳، پراکندگی جغرافیای شیعیان مشخص می‌شود ایران، افزون‌بر سایر مزیت‌ها و قابلیت‌هایی چون برخورداری از موقعیت جغرافیایی و ارتباطی استثنایی در منطقه خلیج فارس و جایگاه منحصربه‌فرد در ژئوپلیتیک انرژی، محوریتی نیز در دنیای تشیع دارد (حافظ نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۸۲).



شکل ۳. نمودار مدل مرکز - پیرامون قلمروهای شیعی جهان

منبع: احمدی، ۱۳۹۰: ۷۰

به عقیده کترمن، بزرگترین ترس دولت‌های خاورمیانه، به‌خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس، گسترش نفوذ شیعی در منطقه پس از سقوط صدام و گسترش جنبش‌های شیعی است. در حال حاضر شیعیان توانسته‌اند رهبری سیاسی را در عراق به‌دست گیرند، در لبنان به پیروزی‌های سیاسی دست یابند و در بحرین فعالیت زیادی انجام دهند. در این سه کشور، شیعیان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند و مذهب شیعه عامل مشترک پیوستگی آنهاست. گزارش سرویس پژوهشی کنگره آمریکا، سه خطر مهم امنیتی را پس از سقوط صدام ارزیابی می‌کند:

۱. گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران پس از سقوط صدام؛
۲. ازدیاد مطالبات شیعیان در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تحت تأثیر وضعیت عراق؛
۳. ترس از سرریز شدن نزاع از عراق به کل منطقه (ضرغامی و انصاری زاده، ۱۳۹۰: ۸۶).

ادوار ژئوپلیتیک شیعه

مرحله اول - دوره ضعف ژئوپلیتیک شیعه (قرن نوزدهم تا ۱۹۷۹): کشمکش‌های سیاسی جهان اسلام، عمدتاً از اواسط قرن نوزده شروع شد و از همان زمان، عنصر شیعه به‌صورت یکی از ارکان ثابت این کشمکش‌ها در صحنه ظاهر شد. برخورد جوامع اسلامی با استعمارگران اروپایی، به بیداری مسلمانان و آگاهی از رکود و تأخیر آنان در زمینه‌های علمی و فنی انجامید (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۸: ۴۹). در آغاز، همه حرکت‌ها تحت تأثیر اندیشه‌های سیدجمال‌الدین و بر محور وحدت جهان اسلام استوار بود. اندیشمندان دیگر جهان اسلام، مانند عبدالرحمن کواکبی (۱۹۰۲-۱۸۵۴) که رساله

ام/القراءه را در سال ۱۸۹۹ به رشته تحریر درآورد یا احمد فتحی زغلول که در همین سال کتاب *علل برتری انگلوساکسون‌های ادموند دمون* را ترجمه کرد، بیشتر در پی یافتن علل عقب‌ماندگی جوامع اسلامی بودند. همه این‌ها حکایت از آن داشت که چالشی جدی بر جوامع اسلامی سایه می‌افکند و به‌زودی این اندیشه‌ها، نگرانی‌ها و چون و چراها، به حوزه عمل و درگیری‌های سیاسی سرایت خواهد کرد. در این درگیری‌ها بود که شیعیان می‌بایست در دو جبهه مبارزه کنند: یکی علیه استعمارگران و دیگری علیه کسانی که نسبت به نظرات شیعه بی‌اعتنا بوده و حقوق آنان را نادیده می‌گرفتند. اما این نظرات و اندیشه‌ها بیشتر بعد ژئوپلیتیک داخلی داشته است تا اینکه بتواند در سطح بین‌المللی ظاهر شود و همواره تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، شیعیان در مناطق مختلف با دو چالش بزرگ روبه‌رو بوده‌اند؛ یکی مبارزه با استعمارگران و دیگری مبارزه با حاکمان حوزه جغرافیایی خود (بیات، ۱۳۸۹: ۶۷).

مرحله دوم - دوره احیای ژئوپلیتیک شیعه (۱۹۷۹ تا ۲۰۰۳): سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ ه.ش) را می‌توان نقطه عطف بزرگ جنبش‌های اسلامی معاصر به‌شمار آورد که موجب شد ژئوپلیتیک شیعه در عرصه بین‌الملل و به‌خصوص در منطقه خاورمیانه مطرح شود. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فقط جریان‌هایی چون اخوان المسلمین و گروه‌های انتخابی آن در جهان عرب و در مصر به فعالیت مشغول بودند (مجیدی، ۱۳۹۱: ۳۶)، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ما شاهد ظهور آرام و گام‌به‌گام گروه‌های اسلام‌گرایی جدید در کشورهای مختلف اسلامی هستیم. ایده‌های انقلاب اسلامی بیش از هر منطقه‌ای در عراق تأثیرگذار شد و در برخورد میان گروه‌های مذهبی شیعه و دولت بعث، برای نخستین بار در تاریخ، حرکتی رادیکالی بعد از بازگشت رهبر انقلاب به تهران نمود یافت (جمشیدی، ۱۳۷۴: ۳۹۴-۳۹۱). کشور عربستان نیز با چالش‌های چندجانبه‌ای روبه‌رو شد که در این کشور ظهور کرد و آن چالش مذهبی، ایدئولوژیکی و عملی برای مشروعیت‌دادن به حاکمیت سعودی بود. در کویت، پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، مجموعه‌ای از بمب‌گذاری‌ها و فعالیت‌های ضد دولتی انجام گرفت و ترس از شدت یافتن فعالیت‌ها و تحریکات بنیادگرایی اسلامی، به‌ویژه اقلیت شیعه، همواره از نگرانی‌های عمده این دولت بوده است. در این دوره، فلسطین شاهد حرکت‌های منسجم و بزرگ بیداری دینی به‌منزله بخشی از نهضت عمومی اسلامی منطقه بود (نجفی توالی و فرج‌الهی، ۱۳۸۸: ۱۳). در این زمینه ملموس‌ترین پدیده متأثر از انقلاب اسلامی، سازمان حزب‌الله لبنان است (ولایتی، ۱۳۸۷: ۱۶۳-۱۴۳).

تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در حالی که برخی از دولت‌های عرب از انقلاب اسلامی استقبال کرده و به‌طور نسبی در کنار آن قرار گرفتند، برخی دیگر از آنها موضع خصمانه‌ای را اتخاذ کرده و به مقابله با آن پرداختند. آشکارترین نمونه واکنش منفی و خصمانه نسبت به انقلاب اسلامی ایران، تجاوز رژیم بعثی به خاک کشورمان بود (حشمت‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۲-۹۳). واکنش منفی دولت‌های محافظه‌کار منطقه خلیج فارس در کنار برخی دیگر از دولت‌های عرب در برابر انقلاب اسلامی، به شکل‌های گوناگونی نمود یافت که می‌توان به متهم کردن ایران در آشوب‌های داخلی این کشورها و حمایت از گروه‌های سیاسی اشاره کرد. از این رو حاکمان کشورهای عربی در منطقه، به اعمال شار علیه گروه‌ها و مردم آزادی‌بخش، به‌خصوص شیعیان پرداخته و سعی در سرنگونی جمهوری اسلامی ایران داشتند. بارزترین آنها، جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران بود (خواجه‌سروی، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۹۵).

یکی دیگر از کشورهایی که موضع بسیار منفی در قبال انقلاب اسلامی ایران اتخاذ کرد، دولت عربستان سعودی بود. این موضع، علاوه بر رقابت‌های تاریخی ناشی از مسائل داخلی این کشور، در قبال شیعیان شرق این کشور نیز بوده است. در واقع همان‌گونه که بیان شد، انقلاب اسلامی ایران سبب شد که جنبش‌های آزادی‌خواهی در کشورهای منطقه، به‌ویژه در میان شیعیان برای گرفتن حق خود بیشتر شود و ژئوپلیتیک شیعه از بعد داخلی خارج و جنبه منطقه‌ای پیدا کند.

مرحله سوم - دوران شکوفایی ژئوپلیتیک شیعه (از ۲۰۰۳ به بعد): در پی سقوط حکومت صدام حسین در عراق و رفع فشار از شیعیان این کشور که دوسوم جمعیت آن را تشکیل می‌دهند، منطقه خاورمیانه شاهد دور تازه‌ای از حضور شیعیان در صحنه سیاسی خود بود. ورود شیعیان عراق به فضای فعال سیاسی خاورمیانه، همچنین الگوی تازه‌ای در کنار الگوی شیعی ایران از لحاظ سیاسی پدید آورد. در واقع تجدید حیات تشیع در عراق پیامدهای گسترده‌ای، نه فقط برای توسعه سیاسی آینده عراق، بلکه برای تحولات آینده در خاورمیانه دارد که موازنه قدرت را به نفع شیعیان برهم زده است. پیوندهای فرهنگی و مذهبی که جمعیت شیعه را از لبنان تا پاکستان متصل می‌کند، بار دیگر اهمیت شایانی یافته است. پس از دو دهه اختناق حکومت‌های سنی، شیعیان بار دیگر حقوق بیشتر و جایگاه خود را در عرصه سیاسی مطالبه می‌کنند.

تحولات اجتماعی و سیاسی در کویت و فعال شدن جمعیت‌های مختلف شیعی و پیروزی شیعیان در انتخابات مجلس و کسب ۳۴ درصد کرسی‌ها، درخواست اصلاحات سیاسی در بحرین، تحولات و درگیری‌های کشور یمن و اوضاع ناآرام علی‌الله صالح، رئیس‌جمهور یمن و سایر تحولات در کشورهای پاکستان، افغانستان، آذربایجان، اردن، مراکش، کویت و حتی مصر، بیانگر این واقعیت است که هویت سیاسی جدید شیعه در حال شکل‌گیری در منطقه است. در عربستان سعودی، جنبش فعالیت سیاسی تشیع که از سال ۱۹۷۹ بی‌رحمانه سرکوب شده بود، در حال رشد است و سازمان‌هایی مانند حزب الله سعودی، التجمع العلماء الحجاز و الحرکه الاصلاحیه، حقوق سیاسی و مذهبی شیعیان را از نظام پادشاهی مطالبه می‌کند (حافظانیا و احمدی، ۱۳۸۸). نقش محوری حزب الله لبنان در بسیج تظاهرات حمایت‌آمیز از سوریه و موفقیت نامزدهای شیعه در انتخاب شهرداری‌های استان‌های شرق عربستان سعودی در سال ۲۰۰۵، از دیگر تحولات در مناطق شیعه‌نشین خاورمیانه است (عباسی، ۱۳۹۰: ۴۳۹ و وری و کی، ۲۰۰۸: ۱۱۶).

به نظر ولی رضا نصر، سقوط حکومت صدام، برخلاف تصور دولت ایالات متحده که فکر می‌کرد به دموکراسی در عراق و کشورهای منطقه منتهی می‌شود، فرصتی برای شیعیان به‌وجود آورد تا به فکر رفع بی‌عدالتی‌های گذشته علیه جامعه شیعیان باشند. در نتیجه احیای شیعیان، توازن قدرت فرقه‌ای در عراق و خاورمیانه دستخوش تغییراتی بنیادین شد. برای مثال، حوادث اخیر در عراق توانست شیعیان عربستان سعودی را به حرکت وادارد. شیعیان لبنان نیز از قاعده فوق‌پیروی کردند؛ به طوری که موفق به پیروزی در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، اجلاس دوحه و از رسمیت‌انداختن کابینه حریری شدند (چیو، ۲۰۱۱: ۱۹). در بحرین نیز شیعیان این کشور که حدود ۷۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، توانستند با به‌کارگیری استراتژی فوق در انتخابات مجلس، موفقیت چشمگیری کسب کنند (زین‌العابدین، ۱۳۸۶: ۳۸). برای مثال، در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۱، جمعیت الوفاق (شیعیان بحرین)، توانستند همه ۱۸ نامزد خود را به پارلمان بفرستند (مصلى نژاد، ۱۳۹۱: ۱۵۵).

آنچه هم‌اکنون متفاوت به نظر می‌رسد اینکه در حال حاضر، فضای بین‌المللی بازتری برای تبدیل مزیت جمعیتی شیعیان به قدرت سیاسی وجود دارد. در حال حاضر تشیع، امتیاز بسیار ویژه و جالبی در اختیار ایران قرار داده است و یک رهیافت خلاق و آینده‌نگر از طرف ایران، می‌تواند نقش بسیار ویژه‌ای در منطقه در خصوص ژئوپلیتیک شیعه نصیب کشورمان کند. ایجاد اتحاد بین شیعیان، به‌ویژه گروه‌ها و فرقه‌های مختلف تشیع در منطقه و حمایت از جایگاه سیاسی آنان، به‌منظور استفاده از آن در راستای کسب منافع ملی کشور در منطقه، می‌تواند مورد توجه مسئولان قرار گیرد. به‌طور کلی می‌توان گفت مهم‌ترین فرصت‌هایی که ژئوپلیتیک شیعه در اختیار ایران قرار داده است، عبارتند از:

- تقلیل یافتن مشروعیت و قدرت حاکمان سنی منطقه؛
- افزایش نقش ایران در مسائل مربوط به اعراب؛
- افزایش نفوذ ایران بر گروه‌های فلسطینی؛
- افزایش قدرت شیعیان در منطقه و اهرمی برای مقابله با سیاست‌های آمریکا در منطقه؛
- بازتعریف نقش منطقه‌ای ایران، به‌منزله یک قدرت منطقه‌ای؛
- از بین رفتن حکومت صدام حسین؛
- حمایت از ملت‌های مظلوم منطقه.

مفهوم هلال شیعی

هلال شیعی، هلالی است که از جبل عامل شروع شده و پس از درنوردیدن بین‌النهرین و سواحل خلیج فارس، به‌ویژه مناطق نفت‌خیز شرق عربستان سعودی و فلات ایران، تا قلب کوه‌های خراسان بزرگ ادامه می‌یابد (جمالی، ۱۳۸۶: ۱۴). این جغرافیایی است که برای هلال شیعی بیان شده است، اما دلیل پیدایش چنین مفهومی با چنین جغرافیایی چیست؟ بعد از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، برخی معتقد به شکل‌گیری ژئوپلیتیک شیعه در تقابل با ژئوپلیتیک سنی بوده و مدعی هستند: ایران به‌منزله قوی‌ترین کشور شیعی منطقه، به‌دنبال استفاده از این واقعیت برای پیشبرد اهداف و منافع ملی خود است. مطابق این دیدگاه که هم از سوی برخی سیاست‌گذاران و هم کارشناسان مطرح شده است، احیای شیعه، نویددهنده شکل‌گیری یک خاورمیانه جدید، حول شکاف مذهبی شیعه و سنی است. شاید آن زمانی که کاخ سفید در پی اجرا و تدارک طرح خاورمیانه بزرگ بود، فکر نمی‌کرد نفوذ ایران و شیعیان بیش از گذشته شود، اما برگزاری انتخابات در عراق، شورای قانون‌گذاری فلسطین، تحولات لبنان و نیز وقوع جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله اسرائیل، اوضاع منطقه را تغییر داد (پوراحمدی و جمالی، ۱۳۸۸: ۱۱). در این رابطه، دو ادعا به‌طور هم‌زمان مطرح شد. نخست اینکه قدرت‌گیری شیعیان در منطقه، منجر به شکل‌گیری یک بلوک شیعی شده است و دوم، این بلوک شیعی را تهران هدایت خواهد کرد (واکر، ۲۰۰۶: ۹۸). در همین رابطه ملک‌عبدالله، پادشاه اردن، ادعا کرد: نتیجه اصلی جنگ در عراق، شکل‌گیری یک «هلال شیعی» تحت سلطه ایران بوده است. از دیدگاه او اگر احزاب یا سیاستمداران طرفدار ایران، بر دولت جدید عراق مسلط شوند، یک هلال جدید شامل جنبش‌ها یا حکومت‌های مسلط شیعه از عراق، سوریه و لبنان ظاهر خواهد شد که موجب برهم زدن موازنه قوای موجود میان شیعه و سنی شده، چالش جدیدی برای منافع آمریکا و متحدانش خواهد بود.

برنامه‌ریزان استراتژیک دنیا باید در مورد این احتمال آگاهی داشته باشند (رایت و بیکر، ۲۰۰۴: ۷۲). چند ماه بعد در سپتامبر سال ۲۰۰۵، وزیر خارجه عربستان سعودی در سفر به آمریکا، از نگرانی دولت متبوعش در مورد آن چیزی سخن راند که وی «تحويل عراق به ایران» در نتیجه حمله آمریکا به این کشور نامید (احتشامی و زئییری، ۲۰۰۷: ۱۳۳). سپس در ماه آوریل ۲۰۰۶، رئیس جمهور سابق مصر (حسنى مبارك) طی مصاحبه‌ای با تلویزیون العربیه، اظهار کرد: شیعیان کشورهای عربی بیشتر به ایران وفادارترند تا به کشورهایی که در آن زندگی می‌کنند (واکر، ۲۰۰۶: ۶۱). وی اضافه کرد: ایران بر شیعیان عراق که ۶۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، نفوذ دارد (الجزیره، ۲۰۰۶: ۲۱).



شکل ۴. نقشه کمربند موسوم به هلال شیعه

منبع: تامپسون، ۲۰۰۹: ۲۳

اهداف طرح هلال شیعه

الف) هدف غرب از طرح هلال شیعی

پس از مدت‌ها مطالعه و تحقیق در مراکز مطالعاتی امنیت ملی در واشنگتن، برلین و فرانسه در سال ۲۰۰۵، سرانجام سیاست‌گذاران اروپایی و آمریکایی به این نتیجه رسیدند که رویکرد مشترکی در خاورمیانه داشته باشند، رویکردی که حافظ امنیت ژئواستراتژیک آنها، دوستان، همراهان و ائتلاف‌هایشان در منطقه باشد. آنها مناطقی را با نام مناطق بحران مشخص کردند که چنانچه بنا به دلایلی چون، دموکراسی نپسند، رشد جمعیت، تحریم‌های اقتصادی، تروریسم و افزایش تسلیحات نظامی با بحران مواجه شود، امنیت اروپا و آمریکا به مخاطره می‌افتد. هلال بحران از اسرائیل تا لبنان، سوریه تا عراق، ایران، افغانستان و پاکستان را در برمی‌گیرد. اصلی‌ترین بازیگران در این منطقه، ایران، اسرائیل و عربستان بودند. رابطه میان عربستان و ایران مهم‌ترین حلقه مفقوده در تثبیت قدرت اسرائیل برای حفظ منافع آمریکا و اروپا بود که مورد توجه قرار گرفت. آنچه می‌توانست به منزله عامل اصلی اختلال در روابط دو طرف مطرح شود، تأکید بر ام‌القری جهان اسلام با در نظر گرفتن تفاوت‌های مذهبی هر دو کشور بود (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۶). بعد از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، با توجه به تقویت ژئوپلیتیک شیعه در تقابل با ژئوپلیتیک سنی، القای ترس از ایران و شیعیان به مثابه قوی‌ترین کشور شیعی منطقه که به دنبال استفاده از این واقعیت برای پیشبرد اهداف و منافع ملی خود است، در راستای سیاست مزبور مطرح شد. مطابق این دیدگاه، احیای شیعه نویددهنده شکل‌گیری یک خاورمیانه جدید، حول شکاف مذهبی شیعه و سنی است. برژینسکی در اظهار نظر خود، القاعده را محصول جنگ سرد و سیاست‌های شوروی در افغانستان و پاکستان دانست و در مقایسه‌ای، بر شکل‌گیری پدیده مشابه شیعی در عراق پس از اشغال، تأکید کرد (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

طرح هلال شیعی طرحی بود که این رویکرد را پوشش می‌داد. در این طرح آمریکایی‌ها، شیعیان و مسلمانان سنی، سه بازیگر کلیدی تلقی می‌شدند. نخستین گام برای شناسایی متحدان آمریکا و اروپا، ارائه و معرفی الگوی ایده‌آل حکمرانی بود که مدل مطلوب، مدل ترکیه بود، لذا نقش فعالی برای ترکیه تعریف شد. با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی کشورهای عربی از ترکیه، تأکید بر اصلاحات با توجه به نقش اصلی دین در این کشورها صورت گرفت (حیدری، ۲۰۰۸: ۱۵۷). از دیدگاه کشورهای سنی‌نشین چون عربستان سعودی، اردن و کویت، موضوع بسیار پیچیده‌تر از این فرمول ساده است؛ زیرا تهران متحدانش را در بغداد، دمشق و بیروت، کنترل می‌کند. همچنین هفتاد درصد از ذخایر نفت جهان در منطقه خلیج فارس جای دارد و هفتاد درصد از جمعیت این منطقه شیعه است (کلار، ۲۰۰۸: ۱۲). فوری‌ترین پیامد و منافع این چنین سناریوها و طرح‌هایی (هلال شیعی)، ایجاد بهانه‌های لازم برای حضور دائمی و بلندمدت و کم‌هزینه نیروهای نظامی آمریکا در منطقه است.

سران آمریکا و اسرائیل با برجسته‌سازی مفهوم هلال شیعه، انحراف اذهان تصمیم‌گیران عرب را از مسئله اصلی، یعنی اسرائیل، پی می‌گیرند و نگرانی آنها را نسبت به حاکمیت ایدئولوژی شیعه با رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه، تحریک می‌کنند. مقامات آمریکا با اشاره به اظهارات پادشاه اردن چنین ادعا می‌کنند: در کنار ایران و عراق که دارای اکثریت جمعیت شیعه هستند، کشورهای لبنان و بحرین به دلیل جمعیت زیاد شیعی و سوریه با حاکمیت اقلیت

شیعیان علوی و گروه شیعیان عربستان سعودی به دلیل سکونت در مناطق نفت‌خیز، با شکل دادن به هلال شیعه، تحولات ژئوپلیتیکی را از خلیج فارس تا مدیترانه تحت تأثیر قرار می‌دهند (بلداچی، ۱۳۸۵: ۷۲). از نظر سران کاخ سفید و اسرائیل، وجود کشور مسلمان و نیرومندی چون ایران، میان دو منبع انرژی (دریای خزر و خلیج فارس) که ۷۵ درصد منابع انرژی جهان را به خود اختصاص داده است، برای استراتژی، منافع و امنیت ملی غرب در قرن بیست و یکم خطرناک است (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۳۰).

خطرهای هلال شیعی برای تداوم حکومت‌های منطقه و نیز تهدید اعتقادهای مذهب سنی که از سوی دستگاه‌های سیاسی - تبلیغاتی آمریکا تبلیغ می‌شوند، درحقیقت به منظور ایجاد هراس در بین حکومت‌های منطقه و مردم سنی مذهب آنهاست. از این طریق، آمریکا قصد دارد آنها را برای دفع این خطرهای موهوم بسیج کند و چون یکی از ابزارهای دفع هرگونه خطر از سوی این حکومت‌ها توسل به قدرت‌های فرا منطقه‌ای و حضور آنها در منطقه است، آمریکا می‌تواند با بهره‌گیری از حربه خطرهای هلال شیعی، حضور درازمدت خود در منطقه را تضمین کند (حاتمی، ۱۳۹۰: ۲۲۸-۲۲۴). درواقع می‌توان گفت، هدف آمریکا برای مفهوم‌سازی هلال شیعی، معرفی یک هلال ژئوپلیتیک است که از ایران و به رهبری ایرانیان آغاز می‌شود، عراق و سوریه را دربرمی‌گیرد و به حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین پایان می‌یابد. این مجموعه تخیلی که توطئه‌گران شکل جغرافیایی آن را هلال مانند فرض و ترسیم کرده‌اند و به گفته ملک‌عبدالله، پادشاه اردن، بزرگترین منابع سوختی فسیلی جهان - از تنگه هرمز تا دریای خزر - را در اختیار دارد، می‌خواهد از راه گسترش عملیاتی، مانند عملیات حماس و حزب‌الله، بر جهان اسلام برتری گرفته، اسرائیل را نابود کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۵).

ب) هدف حکومت‌های عرب منطقه از طرح هلال شیعی

صفر الحولی، یکی از علمای وهابی عربستان، در سال ۱۹۹۱ و پس از قیام شیعیان جنوب عراق، نسبت به شکل‌گیری یک قوس رافضی (شامل شیعیان افغانستان، پاکستان، ایران، علوی‌های ترکیه و سوریه و شیعیان لبنان) هشدار داده بود و بیان کرد که نگرانی وهابی‌های عربستان از تشیع، مسئله‌ای عقیدتی است، آنها معتقدند نیروی شیعه می‌تواند بر شیعیان خلیج فارس، به‌ویژه شیعیان عربستان، نفوذ کرده و در نتیجه شیعه‌گری موجب تهدید موقعیت اهل سنت شود (صفر الحولی، ۱۹۹۱: ۱۶). البته این مسئله بیشتر جنبه عقیدتی و مذهبی داشت و جنبه سیاسی و ژئوپلیتیک آن پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی مطرح شد. ولی نصر در یک مقاله و سپس در کتاب *احیای شیعه* به این موضوع می‌پردازد که آنچه باید بیشتر از موضوع ایجاد اصلاحات در کشورهای عربی منطقه مدنظر دولت‌های غربی و آمریکا باشد ترس از ترسیم مرزهای میان شیعه و سنی پس از سرنگونی صدام حسین و قدرت‌یافتن کشور ایران است. وی بر این باور است که با قدرت‌گرفتن شیعه، هرچند ممکن است ابتدا پیامدهای فرهنگی و مذهبی داشته باشد، اما در نهایت، ایران را در رأس جریان احیای شیعه قرار می‌دهد. از دید او احیای شیعه بر سه اصل استوار است: ۱. قدرت‌یابی شیعیان عراق؛ ۲. خیزش کشور ایران به‌مثابه رهبر منطقه و ۳. قدرت‌یابی شیعیان در لبنان، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و پاکستان (نصر، ۲۰۰۶).

نکته مشخصی که در مورد سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر در منطقه خاورمیانه وجود دارد، تغییر سیاست

خارجی از حفظ وضع موجود به تغییر وضع موجود بوده است. در این تغییر وضع، بایستی کشورهای عربی منطقه در ساختار کشور خود اصلاحات اساسی ایجاد می‌کردند که با منافع حاکمان این کشورها در تعارض بود و بسیاری از سران کشورهای غرب، به خصوص آمریکا، بر این باور بودند که ایالات متحده باید به تغییر رژیم‌هایی بپردازد که به هر شکل تهدیدی برای منافع این کشور شمرده می‌شود، بنابراین فشار بر کشورهای عربی منطقه فزونی یافت و به حدی رسید که سران آمریکا از عربستان سعودی خواستند تا در برنامه‌ی درسی مدارس هم تجدید نظر کند و مفاهیم درسی که بر علیه غرب است را حذف کند. همچنین از کشورهای منطقه اصلاح قانون اساسی و توسعه‌ی دموکراسی در حوزه‌ی جغرافیایی خود را، خواستار شدند (اهراری، ۲۰۰۶: ۱۲).

با قدرت‌گیری شیعیان در عراق و گسترش موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه، سران کشورهای منطقه از مفهوم هلال شیعی و دخالت کشور ایران در امور داخلی خود سخن راندند. این امر سبب شد که حاکمان کشورهای عرب منطقه برای فشار بر ایران، خود را به سمت آمریکا و غرب نزدیک کنند و از سویی دیگر با پرداختن و بزرگ کردن این موضوع، بتوانند جلوی موج آزادی‌خواهی در کشورهای عربی منطقه را بگیرند. در حقیقت آنچه موجب شد بحث هلال شیعی از طرف حکام سنی منطقه مطرح شود، دو عامل مهم بوده است. یکی رهایی از چالش اصلاحات طرح خاورمیانه بزرگ و دیگری حفظ جایگاه خود و ترساندن مردم منطقه از کشور ایران.

به‌طور کلی مهم‌ترین تهدیدهایی که ایدئولوژی هلال شیعی برای ایران به‌وجود آورده است، عبارتند از:

۱. افزایش اختلاف‌های مذهبی میان تشیع و تسنن؛
۲. منحرف کردن انقلاب‌های منطقه از سوی حکام سنی منطقه و غرب؛
۳. تیره‌شدن روابط میان ایران و برخی از کشورهای منطقه؛
۴. اشاعه فرهنگ ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در منطقه؛
۵. افزایش رقابت تسلیحاتی در منطقه از سوی کشورهای عربی منطقه؛
۶. نفوذ و حضور گسترده آمریکا در منطقه؛
۷. تضعیف پایه‌های وحدت ملی میان شیعیان و سنی‌ها در داخل مرزهای جغرافیایی ایران.

نتیجه‌گیری

پس از جنگ سرد، گفتمان حاکم در سیاست بین‌الملل از بُعد نظامی به اقتصاد سوق پیدا کرد و از آنجا که مهم‌ترین نیاز اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته به نفت بود، هارتلند جهانی، حوزه جغرافیایی خلیج فارس تعریف شد و قدرت‌های جهانی همواره تلاش کردند بر این منطقه تسلط پیدا کنند. کشورهای حوزه جغرافیایی خلیج فارس از نظر دین مسلمان و به دو دسته شیعه و سنی و از نظر رابطه با آمریکا به دو دسته متحد و مخالف آمریکا تعریف می‌شوند. بر اساس نگرش اندیشمندان غرب، آنچه بیش از همه منافع غرب را در منطقه خاورمیانه تهدید می‌کند، دو امر مهم است: یکی بنیادگرایی اسلامی و دیگری تروریسم. از این رو جرج بوش طرح خاورمیانه بزرگ و انجام اصلاحات اساسی را به رهبران کشورهای عربی منطقه پیشنهاد داد و از طرف دیگر به بهانه تروریسم و جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، افغانستان و

عراق را اشغال کرد. پس از سقوط صدام و قدرت گرفتن شیعیان در عراق، ترس از سرازیر شدن جنبش‌های مردمی، سراسر کشورهای عربی منطقه را فراگرفت. کشورهای عربی، به خصوص عربستان سعودی، همواره تلاش کرده‌اند با به آشوب کشیدن و بی‌ثبات کردن منطقه، آمریکا را بیشتر به سمت مسائل امنیتی بکشانند تا از این طریق به مجبور کردن کشورهای منطقه برای انجام اصلاحات داخلی بی‌توجه شود. همزمان این کشورها تلاش کردند با نسبت دادن این درگیری‌ها و بی‌ثباتی‌ها به ایران و گروه‌های شیعی منطقه، به آمریکا القا کنند مشکل اصلی منطقه، کشور ایران و شیعیان و تمایلات توسعه طلبانه آنهاست. از این رو پادشاه اردن طرح هلال شیعی را مطرح کرد و حاکمان عربی منطقه و کشورهای غربی آن را گسترش دادند. باید گفت که هلال شیعی ابزاری است تا با تمسک جستن به آن، ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن، اهداف خود را که همان حضور بلندمدت آمریکا در منطقه، فروش تسلیحات نظامی غرب به کشورهای عرب منطقه، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، کاهش فشارهای منطقه‌ای بر اسرائیل، فشار بر ایران در قالب تحریم و... را دنبال کنند؛ در حالی که جمهوری اسلامی ایران، به دنبال اهداف ذکر شده آمریکا و متحدان منطقه‌ای آمریکا نبوده و همواره به مسائل جهان اسلام در چارچوب وحدت اسلامی می‌نگرد. در اثبات این امر به تفاوت ژئوپلیتیک شیعه و هلال شیعه اشاره شد که مهم‌ترین این مؤلفه‌ها عبارتند از:

- ژئوپلیتیک شیعه یک امر واقعی و دنباله جغرافیایی کشورهای شیعه‌نشین منطقه خاورمیانه است؛ در حالی که هلال شیعی یک امر ایدئولوژیک و ساخته ذهن غرب و متحدان منطقه‌اش در خاورمیانه است؛
- ژئوپلیتیک شیعی منسجم و پایدار است؛ در حالی که هلال شیعی امری موقتی است؛
- همگرایی در ژئوپلیتیک شیعه واقعی، اما در هلال شیعی غیر واقعی و تخیلی است.

منابع

1. Abbasi, M., 2011, **Political Behavior and Trends of Islamism in Saudi Arabia**, Foreign Policy Journal, Vol.25, No. 2, PP. 171-188.
2. Aghaee, S. D. and Ahmadian, H., 2010, **Relations between Iran and Saudi Arabia: Fundamental Challenges and Ahead Opportunities**, Journal of Politics, Vol. 40, No. 3, PP. 1-20.
3. Ahmadi, A., 2011, **Islamic Revolution in Iran and Shia Geopolitical**, Andishesazan Noor Publications, Tehran. (in Persian).
4. Ahrary, E., 2006, **The Real Challenge from the Shia Crescent**, at: www.autiwar.com.
5. AL Jazeera News, 2006, 12 April, at, <http://english.aljazeera.net>.
6. Bayat, M., 2010, **Muslim World: Shia Geopolitics and Shiite Crescent Hallucinations**, the Journal of Zamane, Vol. 8, No. 92, PP. 67- 87.
7. Boroujerdi, A., Ansarizadeh, S., Karami, M., 2010, **Geo - Economy Caspian Sea and its Impact on Energy Security in Europe**, Quarterly Strategy, Vol. 20, No. 60, PP. 1-23.
8. Bradley, R., Saud, J., 2005, **Shiites walk Tightrope**: Asia Times Online.
9. Chew, K., 2011, **Middle East: Protests in Egypt, Syria, Yemen**, at: www.care2.com.
10. Ehteshami, A. and Mahjoob, Z., 2007, **Iran and the Rise of Its Neo Conservatives**, T13 Tauris, London.
11. Esposito, J, 2003, **The Global Impact of the Iranian Revolution: a Policy Perspective**, Translation by: Modir Shanehchi, the Center of Islam and Iran Publications, Tehran. (in Persian)

12. Fazeli, N. 2009, **Shia Ideology, the Islamic Revolution and the Islamic Awakening**, Panzdah Khordad Quarterly, Vol. 14, No. 19, PP. 35-66.
13. Fazeli, N., 2006, **The Fears West of Islamic Revolution**, Political Science Quarterly, Vol. 9, No. 36, PP. 111-124.
14. Fuller, G. and Rand Rahim, F., 2003, **Shia Identity**, Translated by Khadija Tabrizi, Shia Studies Quarterly, Vol.8, No. 3, PP. 213-248.
15. Fuller, G., 2011, **Center the World of: the Geopolitics of Iran**, Translated by Abbas Mokhber, Center Publications, Tehran. (*in Persian*)
16. GRS Report for Congress, 2006, **The Persian Gulf States**, Business Affairs Publications, United States.
17. Hafeznia, M. and Ahmadi, S.A., 2009, **Geopolitical Explaining Influence Islamic Revolution on the Shiite World**, Shia Studies Quarterly, Vol. 15 No. 25, PP. 73-110. (*in Persian*)
18. Haidar, H., 2008, **Practical Reconciliation between the Liberal State and Shiite Muslim**, Press Palgrave Macmillan, New York.
19. Hassanzadeh, M. A., 2003, **Studies Sociology Islamic and Shia Anthropology at the University of Palestinian**, Studies Quarterly, Vol. 1, No. 2, PP. 78-93. (*in Persian*)
20. Hataminezhad, M., 2010, **Evolution and Structure of the Middle East**, Foreign Affairs Quarterly, Vol. 3, No.4, PP. 203-237. (*in Persian*)
21. Heshmatzadeh, B., 2009, **Impact of Iran's Islamic Revolution in Muslim Countries**, Culture and Islamic Thought Publications, Tehran. (*in Persian*)
22. Hidari, GH., 2003, **Culture Geopolitical or Geo-Cultural**, Geopolitics Journal, Vol. 3, No. 8. PP. 93-116.
23. Izadi, H. and Dabiri, A., 2012, **Assess Geopolitical Opportunities and Challenges Shi'ite Communities in the Muslim World with a Focus on Iran's**, Shia Geo-political Conference, November, Tehran, PP. 145-163. (*in Persian*)
24. Jamali, J., 2007, **Shiite Crescent and America's Hegemony**, Shia Studies Quarterly, Vol. 5, No. 20, PP. 7-39.
25. Jamshidi, M., 1995, **The Interaction of Islamic Revolution of Iran and the Shiites in Iraq**, Samt Publications, Tehran. (*in Persian*)
26. Javdani Moghaddam M., 2011, **Shia Modern Geopolitics in the Middle East and Iran's Foreign Policy**, Geopolitics Quarterly, Vol. 8, No. 2, PP. 29-62.
27. Javdani Moghaddam, M., 2008, **Shia Crescent: Retrieving Identity or Conspiracy**, Khat Aval Journal, Vol.1, No. 4, PP. 3-24. (*in Persian*)
28. Key, D. and Wehrey, S., 2008, **More Freedom, Less Terror? Liberalization and Political Violence in the Arab World**, [Http://www.rand.org](http://www.rand.org).
29. Khaje Sarvi, GH., 2011, **Iran's Islamic Revolution and the Islamic Awakening**, Islamic Revolution Studies, Vol. 9, No. 28, PP. 95-109. (*in Persian*)
30. Kramer, M., 1984, **Shia, Resistance and Revolution**, *Middle Eastern Studies*, Vol. 25, No. 2 , pp. 270-273.
31. Majidi, H. 2012, **Shia in Middle East**, Islamic World Quarterly, Vol. 1, No. 1, PP. 35-45. (*in Persian*)
32. Mohammadpour, A., 2005, **A Shiite Geopolitics in the Middle East after America's invasion of Iraq**, the Second Congress of Iranian Geopolitics, October, Tehran, PP. 83-97. (*in Persian*)
33. Mossalanejad, A., 2012. **The Shiite Identity and the New Geopolitics of the Middle East**, Geopolitics Quarterly, Vol. 8, No. 1, PP. 135-171. (*in Persian*)
34. Najafi, B., and Faraj Allah, GH., 2009, **Iran's Islamic Revolution and Liberation Movements**, Teaching Publications, Tehran. (*in Persian*)
35. Nasr, V., 2004, **Reginal Implications of Shia Revival in Iraq**, washington quarterly, Vol 27, No. 32 PP. 67-84.
36. Nasr, V., 2006, **The Emerging Shia Crescent, Implication for U.S, Policy in the Middle East**, Third Panel, June 5, Council on Foreign Relations, New York.

37. Nicole, G. and Philip, G., 2009, **Crescent of Crisis: U.S- European Strategy for the Greater Middle East**, Ivo Daalder, Brookings Institution Press, Washington, D.C.
38. Pashpour, H., 2002, **Islamic Movements, New Actors in the International System**, Andishesazan Noor Publications, Tehran. (*in Persian*)
39. Pourahmadi, H. and Gamali, G., 2009, **Sketches Shi'ite Crescent: Goals, Obstacles, and Outcomes**, Shia Studies Quarterly, Vol. 6, No. 26, PP. 7-56. (*in Persian*)
40. Ramesht, M. and Taghdisi, A., 1998, **Cultural Heartland**, Geographical Research Quarterly, Vol. 4, No. 48, PP. 45-62. (*in Persian*)
41. Sajjadpour, S.M., 2011, **Geopolitics and Foreign Policy of Iran: Continuity and Change**, Journal of Geopolitics, Vol. 3, No. 16, PP. 125-131. (*in Persian*)
42. Shirodi, M., **Islamic Revolution and the Islamic Awakening (Influence of the Sample)**, Studies Islamic Revolution, Vol. 5, No. 16, PP. 73-105. (*in Persian*)
43. Sohofi, M., 2001, **Cultural and Geopolitical Issues of National Security**, Shamsa Publications, Tehran. (*in Persian*)
44. Talashan, H., 2008, **Shia Geopolitical in Lebanon before and after the 33-day War**, Shia Studies Quarterly, Vol. 14, No. 27, PP. 7-34. (*in Persian*)
45. Talashan, H., 2009, **Landscape of Shia Geopolitical in Iraq**, Shiite Studies Journal, Vol. 34 No. 31, PP. 21-39. (*in Persian*)
46. Thompson, K., 2009, **A Shia Crescent, Fact or Fiction**, Honors Program, University of North Florida.
47. Velayati, A., 2008, **Islamic Republic of Iran, and Developments in Palestine, 1991-2006**, Foreign Affairs, Publications, Tehran. (*in Persian*)
48. Walker, M., 2006, **The Revenge of the Shia**, Wilson Quarterly, Vol. 30, No. 4, PP. 16-20.
49. Wehery, F., 2011, **Bahrain: Elections and Managing Sectarianism Arab Reform**, At: <http://carnegieendowment.org/2008/08/13/elections-and-managing-sectarianism-in-bahrain/filg>.
50. Zarghami, B., Shushtari, J. and Ansarizadeh, S., 2011, **Social Movements in the Southern Persian Gulf Countries**, the Seventh National Conference on the Persian Gulf, May, Qeshm Island, PP. 148-162. (*in Persian*)
51. Zinolabedin, Y., 2007, **The Shia New Geo-political and Interests of Iran**, Shia Studies Quarterly, Vol. 9, No.19, PP. 33-50.